

فروهرها

شوری نیز شکل گرفت که در درجه اول مقابله و رویارویی با حضور نیروهای اشغالگر خارجی را هدف داشت. اگر چه در مراحل بعدی و به ویژه بعد از جا افتادن اندیشه و عمل ائتلاف با متفقین - نیروهای اشغالگر پیشین - و همچنین نظر به ویژگی های اجتماعی و فرهنگی کشور در آن مقطع، این تلاش و تکاپوی ناسیونالیستی محض هیچ گاه نتوانست در عرصه تحولات سیاسی کشور نقش تعیین کننده ای احراز کند، ولی به هر روی و به رغم انشعاب های مکرر و گونه های مختلفی که به خود گرفت، حضور و نفوذ - هر چند حاشیه ای - خود را از دست نداد.

پیش آمد غیر مترقبه و ناگهانی نهضت ملی شدن نفت و اهمیت تعیین کننده آن در ارائه بیانی نو از ناسیونالیسم ایرانی برخی از این حرکت ها را در توان آزمایی دشواری قرار داد. برای بسیاری از آن ها، نهضت ملی شدن نفت نمی توانست به تنهایی و به خودی خود در بر گیرنده تمامی آمال و خواسته های ناسیونالیستی آنان باشد لهذا سعی شد در عین نوعی همراهی و پشتیبانی اولیه، فاصله ای نیز حفظ شود.

سخن گفتن درباره جنایت نفرت انگیزی که به از دست رفتن داریوش و پروانه فروهر، همسر و هم‌رزم دلیر او منجر شد، دشوار است. مرگی اینچنین، به خودی خود تمامی آنچه را که می توان درباره اش گفت در خود دارد، و بر نفرت برآمده از این جنایت هولناک اساساً جز ابراز تأسفی عمیق و خواست شناسایی و مجازات عاملان آن، مطلب درخور توجهی نمی توان افزود.

در مقابل، از زندگی، آراء و عملکردهای آن دو، در بیش از نیم قرن فعالیت های سیاسی می توان نوشت و امید به پایدار شدن و جوهی از آن، چون عشق به میهن و صدق سیاسی که این کشور بیش از پیش بدان نیازمند است.

درکنار تلاش های گسترده ای که در پی تحولات ناشی از فروپاشی استبداد پهلوی در شهریور ۱۳۲۰ برای ساماندهی سیاسی کشور آغاز شد، تحرك و تکاپوی سیاسی ناسیونالیستی پر



مجموعه ای از انتظارات معقول

در یکی از کوتاه ترین و در عین حال سیاسی ترین نوشته هایی که پس از ترور سید اسدالله لاجوردی - رئیس سابق زندان ها - در مطبوعات روزانه کشور به چاپ رسید، «از تمام کسانی که در مقام نوشتن یا گفتن هستند انتظار معقول» رفته است که با «جدیت تمام اینگونه روشها را بطور کلی محکوم کنند» چرا که «برآورده نشدن چنین انتظاری آثار ناخوشایندی در مسیر روبه رشد کنونی جامعه ما برجای» خواهد گذاشت («انتظار معقول»، سلام، ۲ شهریور ۷۷، ص ۲).

نویسنده مقاله مذکور بر این نظر است که «شیوه های خشونت طلب . . . هدفی جز بازگرداندن خشونت به عنوان راه حل قطعی و نهایی حل مسائل سیاسی و اجتماعی ندارد . . . بنابراین محکوم کردن این شیوه ها و طراحان و مجریان آن وظیفه هر شهروندی است که مدعی مخالفت با خشونت است، آنان که در این مسیر کوتاهی می کنند، نمی توانند در ادعای خود صادق باشند» (همان جا).

در این که خشونت در کل و ترور به عنوان یکی از مصادیقش، آن هم نه فقط در حوزه سیاست که در تمامی حوزه های فعالیت های انسانی محکوم است، شکی نیست و به همین دلیل نیز کسانی که بر لزوم همزیستی اندیشه های مختلف در جامعه تأکید دارند، می بایست با پدیده خشونت در تمامی ابعادش با جدیت مقابله کنند.

از این میان، تنها حرکتی که با تمامی توان، دل و جان به نهضت ملی شدن نفت سپرد و بر این مرام نیز باقی ماند داریوش فروهر بود و حزب ملت ایران وی که در عین حال بر بنیان پان ایرانیسم خود نیز برقرار ماند.

آنچه داریوش فروهر را از بسیاری از دیگر اقران وی در نهضت ملی شدن نفت متمایز و ممتاز می ساخت، نوع خاصی از صلابت و سرسختی بود که تا به آخر نیز وجه مشخصه فعالیت های سیاسی او باقی ماند. سرسختی و صلابتی ریشه دار در تلاش و تکاپوی دیرینه تر از نهضت نفت.

یکی دیگر از ویژگی هایی که بر فعالیت های سیاسی داریوش فروهر می توان برشمرد، توانایی دگرگونی و قابلیت تحول پذیری آن بود. این تحرك و تکاپو در عین وفاداری به پاره ای اصول اولیه، چون اولویت بی چون و چرای وطن و مصالح آن در همه حال، قدرت آن را نیز داشت که در چارچوب خاصی محدود و مقید نماند. همان گونه که در آغاز کار، قالب اولیه را رها کرد و در بطن حرکتی گسترده تر جای گرفت، در مراحل بعدی و به ویژه در سال های بعد از انقلاب نیز در اندیشه و عمل صور آمرانه نخست را پشت سر گذاشت، و به ویژه با تأکید بر حقوق دیگر اقوام ایرانی، یک جهت مشخص: موکراتیک اتخاذ کرد.

کاوه بیات .